

■ به لحاظ شرایطی که هم اکنون در جامعه حاکم است، شکل کار ما تغییر یافته و بیشتر در زمینه ارزشهای معنوی انسان کار می‌کنیم.

## ■ در حقیقت شروع جنگ تحمیلی فصل مهمی از کارهای ما را به خود اختصاص داد

□ شما در ارتباط با حج و جنگ هم کارهای انجام داده‌اید...؟

■ از آنجایی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی زمینه فعالیت این گونه کارها فراهم‌تر شد و با شکل‌گیری نیروهای جوان در هسته‌های مقاومت بسیاری از کسانی که در حال حاضر به عنوان نقاشان و گرافیکسهای انقلاب اسلامی مطرح هستند، رشدشان را از این مراکز شروع کردند، من هم در این مجموعه گوشه کوچکی از کار را گرفتم و با دوستان دیگر ابتدا «کانون نهضت اسلامی» و بعد «حوزه اندیشه و هنر اسلامی» را شکل دادیم و سعی کردیم مفاهیم انقلاب را در قالب تازه‌ای از طرح و رنگ مطرح کنیم که چنین کاری قبلاً سابقه نداشته است. بعد از انقلاب قالب پوستر را به عنوان یک زمینه کار برگزیدیم و با جذب نیروهایی که در این رابطه داشتیم، توانستیم پوستر را به عنوان وسیله‌ای ارتباطی بین خود و مخاطبینمان برگزینیم و در زمینه سوژه‌های مختلف انقلاب کار کنیم که حاصل این تلاش ده ساله در شکل ارزنده‌ای به صورت کتاب منتشر شده که انشاءالله در آینده نزدیک در اختیار عموم قرار خواهد گرفت.

□ معمولاً در انجام کارهایتان یعنی در خلق آثار هنری از چه مفولاتی الهام می‌گیرید؟

■ الهام من از منابع مختلف، بستگی به وضع جامعه و اجتماع دارد. کلاً به لحاظ این که من و سایر دوستانی که در حوزه هنری کارهای پوستر سازی را انجام می‌دهیم، سعی کرده‌ایم همراه با مردم حرکت کنیم در نتیجه از مردم و اجتماع الهام می‌گیریم. یعنی خودمان حرف خاصی برای گفتن نداریم، بلکه با الهام گرفتن از مردم و حرکت آنها توانسته‌ایم، بخشی از جامعه را به تصویر بکشیم. در مراحل مختلف کارهای ما نیز به صورت مختلف بوده است. در ابتدای پیروزی انقلاب به علت تنش‌هایی که در جامعه وجود داشت، کارها از ویژگی خاصی برخوردار بود. شروع جنگ تحمیلی فصل مهمی از کارهای ما را به خود اختصاص داد و زمینه‌های کار تا به امروز بیشتر در ارتباط با جنگ تحمیلی بوده است. به لحاظ شرایطی که هم اکنون در جامعه حاکم است، شکل کار ما تغییر یافته و بیشتر در زمینه ارزشهای معنوی انسان کار می‌کنیم با استفاده از این ارزشهاست که می‌توانیم حرفمان را رساتر، عمیق‌تر و گویاتر مطرح کنیم. البته هدف ما این است که بتوانیم به عنوان هنرمندان این جامعه صرفاً در اختیار تبلیغات نباشیم و تحت سیطره مسائل روزمره‌ای که در زندگی مصرفی وجود دارد،

□ طبق معمول باید بپرسیم که از چه زمانی به هنر گرافیک روی آوردید و انگیزه شما از روی آوردن به این رشته چه بود؟

■ شاید در ابتدا که به هنر گرافیک روی آوردم، انگیزه دقیقی نداشتم ولی کلاً علاقه من به نقاشی و هنرهای تجسمی مثل همه بچه‌های دیگر که به نقاشی علاقه‌مند شدند، شکل گرفت. در مجموع می‌توان گفت در خانواده نسبت به کار نقاشی و هنرهای تجسمی زمینه‌ای وجود داشت و طبیعتاً من هم به این راه کشیده شدم و در طی دوران دبیرستان کارهایی انجام دادم و سپس بعد از ورود به دانشگاه به سوی گرافیک کشیده شدم و این علاقه باعث شد، تا آنجا که می‌توانم در این زمینه تلاش کنم تا به تصاویر تازه‌ای در زمینه گرافیک دست یابم. اصولاً من و دیگر دوستان هم دانشکده‌ای با شکل‌گیری انقلاب اسلامی گرافیک را به شکل تازه‌ای یافتیم که هدف استفاده از آن ارائه آثاری بود که بتوانیم به ارزشهای مطلوبی دست یابیم که به دنبالش بودیم. و به دلیل جاذبه خاص گرافیک، این هنر را در برخورد با سوژه‌های مختلف، سریع‌الانتقال دریافتیم. بنابراین گرافیک را به عنوان رشته تحصیلی انتخاب کردم و آن را برای ارائه آثارم زمینه مناسبی یافتیم. البته گرافیک یک مفهوم خیلی کلی است و دارای ابعاد مختلفی است که هر فردی می‌تواند در یک یا دو شاخه آن تخصص و تبحر یابد. امروزه گرافیک، گستردگی وسیعی یافته و دارای ابعاد مختلفی است و با توجه به رشد تکنولوژی، وارد مرحله تازه‌ای شده است. گرافیک به لحاظ اینکه رابطه تنگاتنگی با مسائل جامعه و اجتماع دارد، زمینه مناسبی برای کار من است و من سعی کردم در این مدت ۱۲ سال به طور مداوم در این رشته کار کنم.

□ پس آنچه شما را به سمت این هدف کشید، موضوعات و مسائل اجتماعی بود. و شما فکر می‌کردید برای ارائه مفاهیم اجتماعی و آنچه به آن باور دارید روی آوردن به این رشته، وسیله خوبی است. حالا بفرمایید که بیشتر در چه زمینه‌هایی کار کرده‌اید؟

■ زمینه کاری من بیشتر پوستر سازی (اجتماعی و فرهنگی) و آرم سازی و مقداری هم بسته بندی بوده است که می‌توان گفت تجارب ارزنده‌ای در این زمینه‌ها به دست آورده‌ام. البته انگیزه انتخاب پوستر به عنوان یکی از ابزارهای گرافیک این بود که می‌توانستیم بدون هیچ گونه واسطه‌ای با مخاطبانم ارتباط برقرار کنیم و افکارم را در زمینه‌هایی که به آن اعتقاد داشتیم بیان نمایم.

● گفتگویی با ابوالفضل عالی گرافیکست جوان ایرانی

# گرافیک؛ محصول شهرنشینی و تکنولوژی؟

مقدمه

«ابوالفضل عالی» گرافیکست جوانی است که آثارش را بر در و دیوارهای شهر دیده و می‌بینیم. بیشتر روی پوستر کار می‌کند. ارزشهای دینی و کلاً معنوی در آثارش مشهود است. او از پایه‌گذاران حوزه هنر و اندیشه اسلامی - که بعدها به حوزه سازمان تبلیغات اسلامی تغییر نام یافت - بود و در زمان انجام این مصاحبه، مسؤلیت واحد گرافیک حوزه هنری و شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی ایران و عضویت شورای پوستر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را برعهده داشته است. چاپ این مصاحبه به خاطر تراکم مطالب ادبستان، بسیار به تعویق افتاد و در همین جا صمیمانه از آقای عالی عذرخواهی می‌کنیم.

## ■ ما خودمان حرف خاصی برای گفتن نداریم، بلکه با الهام گرفتن از مردم و حرکت آنها توانسته‌ایم، بخشی از جامعه را به تصویر بکشیم.

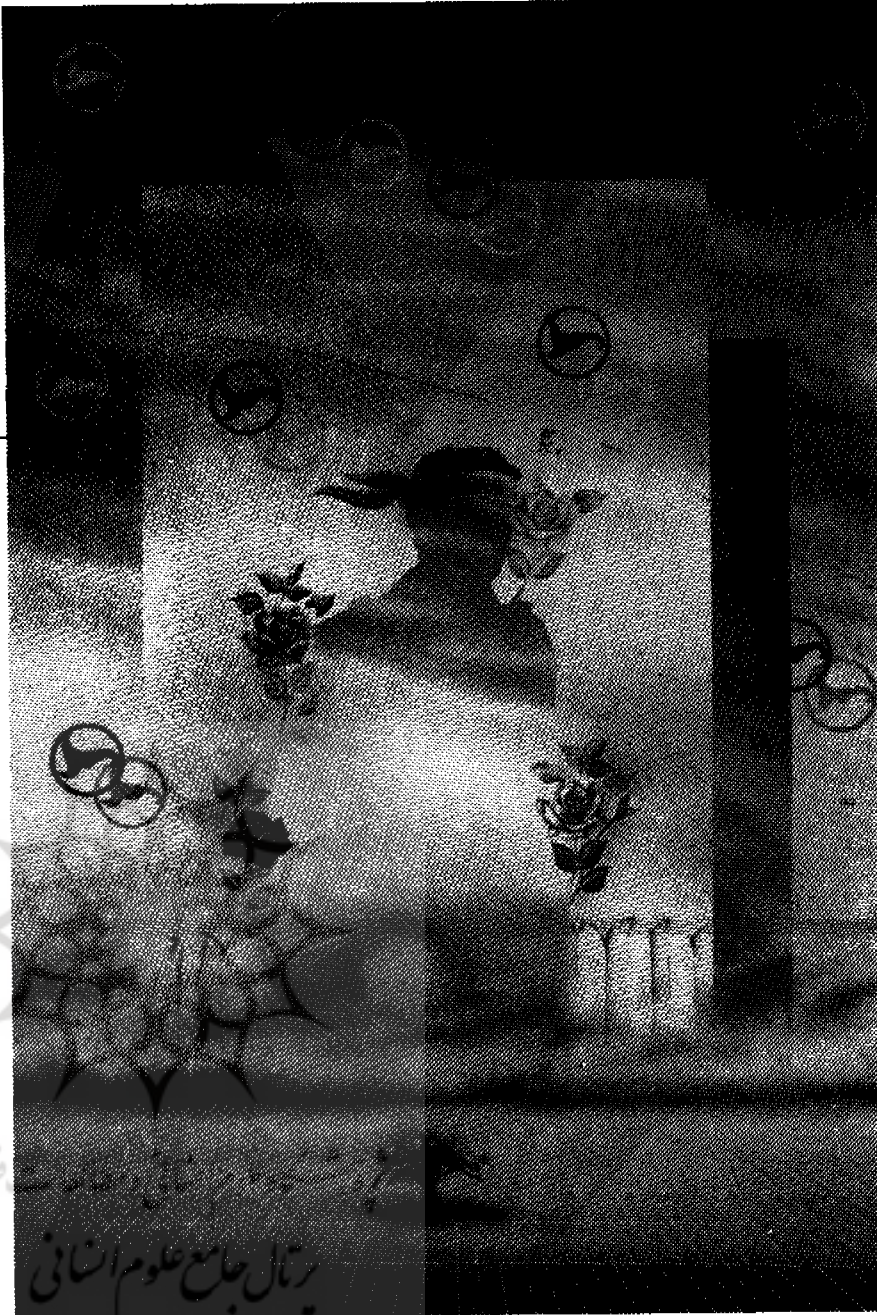
تبلیغاتی که در واقع کاری است برای جامعه مصرفی، باید یک هنرمند متعهد باشد، یعنی خودش را صرفاً در اختیار بازار و تجارت و مسأله پول قرار ندهد. ارزش یک هنرمند در کجا آشکار می‌شود؟ در طرح مسأله مردمی که کاری کنند و زحمت می‌کشند و یا در طرح مسأله فرهنگی... به هر حال هنر گرافیک ابعاد گوناگونی دارد. متناسفانه تعداد گرافیست‌هایی که ارزشهای فرهنگی را در کارهایشان مد نظر قرار می‌دهند انگشت شمار است.

سیزده سال از عمر انقلاب می‌گذرد ولی بسیاری از هنرمندانی که در آن زمان به اصطلاح «آوانگاره» کار می‌کردند، امروزه کارهایشان سر از گالریها در آورده است، آن هم کارهای آبرنگ در سطح خیلی پایین! اینها باید به عنوان هنرمندی که متأثر از جامعه و متأثر از تغییراتی که در یک جامعه صورت گرفته است، باشند ولی می‌بینید که کمتر دست به این اقدام زده‌اند و بیشتر کارهای تجارتمی می‌کنند و اکثراً گالری‌دار شده‌اند، در این گالریها هم فقط چند نفر را می‌بینیم که متعهدانه برخورد کرده‌اند و دیدگاه ارزشمندی داشته‌اند.

□ چرا برای کارهای ماندگار و غیر تبلیغاتی، از نقاشی استفاده نمی‌شود و اساساً مرز گرافیک و نقاشی در کجا مشخص می‌شود و تفاوت این دو هنر در چیست؟

■ نقاشی جایگاه خودش را دارد، گرافیک هم جایگاه خودش را. کار نقاش به لحاظ ابزاری که او به کار می‌گیرد و به لحاظ نوع احساسی که او در قالب طرح و رنگ بر روی بوم می‌ریزد با کار یک گرافیست متفاوت است او با یکسری المانهای دیگری که شاید استرلیزه‌تر و ساده‌تر شده در قالب پوستر و آرم کار می‌کند. گاهی اوقات شاید این دو در جایی کنار هم دیگر قرار بگیرند.

مثلاً پوستر سازی که یک کار گرافیکی است، بعد از انقلاب و در بعضی جاها با ایلوسترسیون و نقاشی نزدیک می‌شود به عنوان مثال من و دوستان دیگری که در حوزه هنری با هم کار می‌کنیم، در واقع شکل تازه‌ای از هنر پوستر سازی را مطرح کردیم، یعنی بدون اینکه کلامی را زیر پوسترها نوشته باشیم با یک نگاه تازه و با یک برخورد عرفانی - فلسفی، با توجه به شرایط جامعه خودمان حرف تازه‌ای را در این زمینه مطرح کردیم. پوسترهای ما در زمینه جنگ با پوسترهای زمان جنگ دوم جهانی قابل مقایسه است. در این مقایسه می‌بینیم که ارزشهای اعتقادی ما در



باید با کارهای فرهنگی نیز هماهنگ باشد، بسیاری از دوستان دیگر که در این زمینه‌ها کار می‌کنند، یک حرف عقیدتی و یک حرف اعتقادی دارند و با توجه به آشنایی یا تکنیکهای گرافیک و کاربرد آن به صورت مختلف می‌توانند حرف عقیدتیشان را مطرح کنند. در سراسر تاریخ، گرافیک هم به عنوان یک وسیله تبلیغاتی و تجارتمی به کار برده شده و هم برای طرح مسأله عقیدتی و اجتماعی و سیاسی. مثلاً پوسترهایی که برای تئاتر در کشور لهستان منتشر می‌شود هم جنبه تبلیغاتی دارد و هم دارای ابعاد فرهنگی است که البته در این پوسترها بعد فرهنگی حاکم است. پوسترهایی که در جنگ دوم جهانی در کشورهای لهستان، روسیه و فرانسه به چاپ رسیده است منعکس کننده ارزشهای اجتماعی آن زمان بوده است. پوسترهایی هم که جنبه تجارتمی نداشته‌اند مسأله فرهنگی را به خوبی مطرح کرده‌اند. اتفاقاً از نظر من هر گرافیستی در کنار کار

قرار بگیریم و حرفی برای گفتن داشته باشیم، یعنی اصلاً برای ارزشهایی که درون نظام نهفته است کار نکنیم وگرنه کارهای تبلیغاتی و تجارتمی را هر کسی می‌تواند انجام دهد. ولی آنچه مهم است و ما به آن معتقدیم و بیش از ده سال است که من و سایر دوستانم در راه رسیدن به این هدف تلاش می‌کنیم، به دست آوردن هنر متعهد و در اختیار جامعه بودن است، گرچه که خیلی سخت است.

□ یک اثر هنری بازتاب یک ارزش اصیل و معنایی عمیق است آیا گرافیک می‌تواند منعکس کننده این ارزشها باشد؟

■ در گرافیک جای کار برای هر موضوعی وجود دارد. درست است که برای کارهای تجاری و تبلیغاتی گرافیک بهره می‌جویند ولی بسیاری از گرافیست‌ها و جمله خود ما نیز در کنار کارهای تجارتمی و کار تبلیغاتی، کار فرهنگی می‌کنیم که البته کار تبلیغاتی ما

■ سیزده سال از عمر انقلاب می گذرد ولی بسیاری از هنرمندان که در آن زمان «آوانگارد» کار می کردند، امروزه کارهایشان سر از گالریها درآورده است  
آن هم با کارهای آبرنگ در سطح خیلی پایین!

■ به نظر من ما باید ارتباطمان را با جهان بیشتر کنیم و هنرمندانمان بتوانند در کشورهای مختلف نمایشگاه بگذارند.

جنگ تحمیلی در آن نوع پوسترها اصلاً وجود نداشته است.

□ پس امکان دارد که گرافیک و نقاشی گاهی اوقات در کار هم تداخل کنند؟

■ به عنوان مثال - برای اینکه مسأله روشنتر شود - من می توانم کارهای «آلفونس موجا» را مثال بزنم. ایشان به عنوان يك نقاش و در عین حال پوستر ساز در تاریخ هنر گرافیک مطرح است شما می بینید که ایلوسترسیون که ایشان کار کرده و زیباییهایی که در قلم و خلاصه کردن «المانهای» تصویرش وجود دارد به عنوان يك کار گرافیکی و در عین حال به عنوان يك نقاشی می تواند جایگاه خاصی داشته باشد. البته مرز بین گرافیک و نقاشی در دهه اخیر به این صورت در آمده و گر نه اگر شما روی کارهای «رودریک» به عنوان يك نقاش امهرسیونست توجه کنید می بینید ایشان در عین حال که نقاشی می کرد، کارهای نقاشی آبرنگ و کلا زمینه های مختلفی را توی کارهایش دارد. می بینید که با قضیه پوستر و پوستر سازی به شکل تازه ای برخورد کرده و کارهای ارزنده ای در این رابطه دارد. □ گرافیک محصول چه دوره خاصی از زندگی بشر است؟

■ البته اگر به مفهوم گسترده توجه کنیم می بینیم که این هنر از ابتدای زندگانی بشر به عنوان عامل ارتباط بین انسانها، جایگاه خاصی داشته است در همان دوره غار نشینی، انسانها برای ارتباط بین یکدیگر از تصاویری استفاده می کردند تا بتوانند افکارشان را بهتر به دیگران منتقل کنند و اگر بخواهیم کشیدن این تصاویر را به حساب هنر گرافیک بگذاریم در واقع این هنر از آن زمان شروع شده و نهایتاً به پدید آمدن خط هیروگلیف انجامیده که در واقع انسانها با این خط روی دیوارها اندیشه نگاری می کردند.

و این نوعی گرافیک به صورت آستره تر و خلاصه تر و آنالیز تر است تا این که می رسمیم به خط. خط هم يك المان گرافیکی است در واقع ما از تصویر به چیزهای قراردادی ساده تری مثل خط روی آوردیم. گرافیک ارتباط گسترده ای با زندگی ما دارد. وجود يك تابلوی راهنمایی و رانندگی در واقع ایجاد يك نوع ارتباط گرافیکی است که ما را مقید می کند وارد فلان خیابان نشویم یا از آن خیابان چگونه عبور کنیم. ردپای گرافیک در تمام ابعاد زندگی ما یعنی حتی در انتخاب رنگی که برای لباسمان می کنیم نیز دیده می شود.

□ زبان هم وسیله ارتباط و برقراری بین

انسانهاست. آیا می توان برای زبان نیز يك قالب گرافیکی قابل بود؟

■ زبان وسیله ارتباطی بین انسانها است. ما می توانیم زبان را در يك قالب گرافیکی ببینیم. خود من در این مورد تحقیق کردم و به نتایج زیادی دست یافتم. مثلاً در خط چینی و ژاپنی هنوز نیز درخت را به صورت يك درخت و کوه را به شکل يك کوه می کشند. در این زبانها وجود ارتباطات گرافیکی کاملاً محسوس است. پاره ای قوانین خاص در جهان مطرح شده و ما می توانیم آن را محصول پدیده شهرنشینی و تکنولوژی بدانیم. چون ایجاد ارتباط به وسیله علامت در چنین جوامعی اجتناب ناپذیر است. اما وقتی شما به قبایل افریقایی می روید که هنوز تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی به صورت امروزه در آنجا وجود ندارد، رنگ و حتی نقاشی کردن روی صورتها و یا حتی تن، وارد معانی خاص می شود که بیشتر فکر می کنم مربوط به ارتباط فرهنگی انسانها است که برای القای مفاهیم خاص، روشهای خاصی دارند که این روشها می تواند با رنگ، تصویر و يك سری المانهای خاصی بیان شود. شاید ارتباط بشر با گرافیک ارتباطی ذاتی باشد به طوری که می توان گفت، تصویر و ارتباط تصویری با انسان عجین شده است. به لحاظ رشد تکنولوژی، در غرب شکل تازه ای از گرافیک و ارتباط تصویری مطرح شده است و در جوامع ابتدایی شکل دیگری. مثلاً وقتی در می یابیم که تصاویر تخت جمشید صرفاً برای زیبایی نبوده، بلکه برای القاء پاره ای مفاهیم و بیان مسائلی بوده است به این نتیجه می رسمیم که گیرنده ها در آن موقع سنگها بوده اند. انسانها تصاویر را بر روی سنگ حک می کردند و به این ترتیب با مخاطبینشان ارتباط برقرار می نمودند. ولی مثلاً در افریقا بیشتر روی چوب حکاکی می کردند. و يك سری المانهایی مثل شخصیتها و اعتقادات. مختلف را در قالب ماسک بیان می داشتند. (مثلاً روح انسان، شیطان، بدی و خوبی را با قالب های فرهنگی و اجتماعی خود بیان می کردند) در غرب به دلیل رشد چاپ و دیگر امکانات وسیع فنی مثل تلویزیون و کامپیوتر، گرافیک وارد مرحله دیگری شده است. پس ارتباط گرافیک و انسان يك ارتباط پیوسته و دائمی است.

□ هنر گرافیک امروزه در جهان در خدمت چه کسانی است؟

■ پاسخ به این سؤال کمی دشوار است ولی با

توجه به رشد تکنولوژی از زمانی که اروپا وارد مرحله جدیدی از رشد اقتصادی می شود و انقلاب صنعتی شکل می گیرد، حروف چینی چوبی به حروف چینی سربی تبدیل می شود و سرعت انتقال چاپ و تکثیر وارد مرحله تازه ای می شود که دنیا را تحت تأثیر خودش قرار می دهد. در حال حاضر گرافیک به عنوان يك وسیله ارتباطی در غرب بیشتر از دیگر هنرها خودنمایی می کند. و این به دلیل گستردگی امکانات انتشار و چاپ است. با توجه به رشد صنعتی، گرافیک کم کم آنالیز شده و به شکل خلاصه تری در می آید و ما کم کم داریم از زمینه های خیلی

فیگوراتیو خارج می شویم و کلاً چه در نقاشی چه در گرافیک به سمت يك نوع آستره پیش می رویم و البته این تحول بیشتر در غرب دیده می شود. کشورهای مختلف با توجه به مسائل فرهنگیشان مشکلات مختلفی دارند. در ژاپن، امریکا و اروپا، گرافیک شکل تازه ای یافته است. حتی در کشور ما هم گرافیک از رشد خیلی خوبی برخوردار بوده است. اکنون شما می توانید شکل تازه ای از این رشد را در پوسترهای سینمایی و فرهنگی ببینید. البته آنچه که ما می خواهیم در زمینه پوستر بدان دست یابیم، بازگشت به خویشتنی است تا بتوانیم از منابع عظیم تصویری در فرهنگمان استفاده کنیم. این منابع را می توان در کاشیکاریها، مساجد، قالیها و... دید که در این زمینه ها ما از منابع عظیم طرح و تصویر برخورداریم. اگر به این منابع رجعت کنیم و آنها را احیاء نماییم و با «المانهای» گرافیکی دنیای امروز پیوند دهیم خواهیم دید که چه منبع عظیمی از طرح و تصویرهای مختلف داریم که با آنالیز کردن و به کارگیری صحیح آنها در هنر پوستر سازی و کلا در زمینه گرافیک می توانیم آنها را مطرح کنیم. کاری که ژاپنی ها کردند.

□ یعنی در واقع می خواهید بگویند مفاهیم و ارزشهای عقیدتی خودمان را با تکنیک پیشرفته در هنر گرافیک عجین کنیم؟

■ بله.

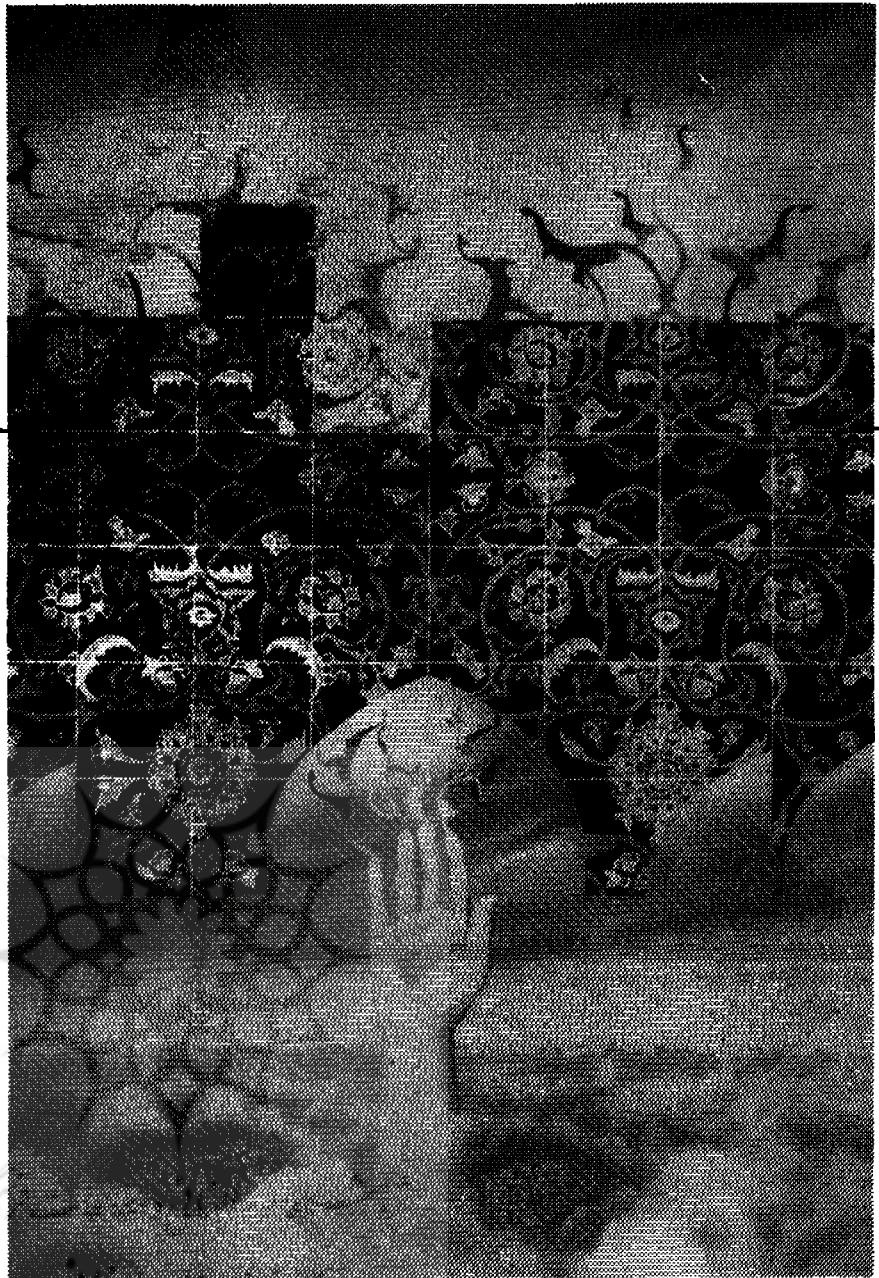
□ با توجه به صحبت های شما می توان گفت که رشد صنعت و تکنولوژی رابطه تنگاتنگی با پیشرفت گرافیک دارد.

■ بله.

□ آیا به نظر شما توانسته ایم در عرصه انتقال ارزشهای فرهنگی و اسلامی به اندازه کافی از این هنر بهره بگیریم؟



## ■ با تشکیل دادن «کانون نهضت اسلامی» و بعد «حوزه اندیشه و هنر اسلامی» سعی کردیم مفاهیم انقلاب را در قالب تازه‌ای از طرح و رنگ مطرح کنیم.



عرضه کنیم و شاید در آینده با توجه به حساسیتی که به این قضیه نشان می‌دهند، بتوان بیشتر کار کرد و موفق‌تر بود.

□ کارهای کدام یک از گرافیستهای بزرگ جهان را می‌پسندید؟

■ شاید بیشتر از همه به «آلفونس موجا» علاقه داشته باشم. او مجارستانی الاصل است ولی در آمریکا بوده. «موجا» به رنگ، آنالیز کردن فرمها، خلاصه کردن و به کارگیری آنها علاقه زیادی داشته و کارهایش از زیبایی و حس خوبی برخوردار است که همیشه از کارهای ایشان خوشم آمده است. او به عنوان یک پوستر ساز که در ابتدای کار هنر پوستر سازی در تاریخ هنر گرافیک مطرح است، در من تأثیر بسیاری گذاشته است. جای آن دارد که راجع به سیاستگذاری هنری در کشور صحبت کنم. به صراحت باید گفت که بعد از گذشتن سیزده سال از عمر انقلاب، آن چنان کاری در رابطه با هنر از طرف سیاستگذاران مملکت انجام نشده است. من چون خودم در زمینه‌های هنری، مسئولیتهایی داشتم، می‌دانم که همیشه برنامه‌های مقطعی و زودگذر در وادی هنر مطرح می‌شده که صرفاً برای انجام امور بوده است. این مسأله به هنر لطمه زیادی زده است. البته با تئیراتی که در بخش هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رخ داده و «آقای خوشرو» به عنوان کسی که خودش هم دستی در کار نقاشی دارد، مشغول این کار شده، امیدواریم ایشان بتوانند کار ارزنده‌ای در این زمینه انجام دهد. من و بچه‌هایی که در حوزه هنری هستیم کارنامه ده ساله انقلاب را در دو مجموعه کتاب منتشر کردیم، این حرکتی خودجوش بوده و بیشتر بر اساس دل بستگیهای خودمان در زمینه هنر بوده است و واقعا کاری به صورت سیستماتیک به آن صورتی که باید در کل جامعه وجود داشته باشد، نبوده است ولی با تلاشی که بچه‌ها کردند توانستند این مجموعه را منتشر کنند. امیدوارم با کشاندن هنرمندان به فضاهای هنری چه در داخل و چه در خارج از کشور، دید هنرمندان مملکت ما وسیع‌تر شود. به نظر من ما باید ارتباطمان را با جهان بیشتر کنیم. هنرمندان بتوانند در کشورهای مختلف نمایشگاه بگذارند و از هنرمندان کشورهای دیگر نیز برای برپایی نمایشگاه در کشورمان دعوت کنند. وجود این نمایشگاهها هم برای نیروهای جوان وهم هنرمندان لازم است تا بتوانند اگر حرف نوی دارند بزنند.

موفق باشیم و یا توانسته‌ایم در هنر از ارزشهای اسلامی دقیقاً استفاده کنیم یا نه. این احتیاج به زمان و برنامه ریزی و کار مداوم دارد. ما (دوستانی که در این زمینه کار کرده‌ایم) معتقدیم که باید این نوع طرز تفکر و مفهوم عرفانی و اسلامی را در قالب کارهایمان به شکلی مطرح کنیم و توانستیم حرکت کوچکی هم در این جهت بکنیم. واقعا دست یافتن به این نتیجه احتیاج به کار و برنامه ریزی دارد و سیاستگذاران هنری مملکت باید بر این باور باشند که هنر اسلامی در قالب هنر تجسمی، در قالب هنر تئاتر و در داخل سینمای ما اثر مثبت بگذارد تا بتواند خودش رابه دنیا نشان بدهد و به دنیا بگوید که این فکر نشأت گرفته از یک کار اسلامی است. شاید بتوان گفت که در این عرصه، سینما تا حدی موفق بوده و در بعضی از فیلمها، آن ارزشهای اسلامی دیده می‌شود. چه در قالب هنرهای تجسمی، چه در زمینه نقاشی و چه در زمینه گرافیک تا حدودی توانسته‌ایم طرز تفکر اسلامی را

■ شاید قضاوت در این مورد کمی زود باشد شاید در آینده بتوانیم چنین کاری بکنیم. هنر و فرهنگ دینی کشورمان بعد از ورود اسلام شکل تازه‌ای به خود گرفت. در واقع در هنر تصویرگری و حجاری که شما روی سنگها در دوران هخامنشیان، ساسانیان و تا زمانی که اسلام وارد ایران شد، می‌بینید شکل دیگری از هنر مطرح بوده و بعد از ورود اسلام به کشورما، شکل تازه‌ای از آن مطرح شد که با ارزشهای اسلامی در ارتباط بود. شکل تازه‌ای از تذهیب و مینیاتور رفته رفته در کشورما شکل گرفت تا به امروز که به اینجا رسید.

شاید الان نظر دادن در این مورد زود باشد. با توجه به رجعت دوباره‌ای که به اسلام کردیم و آن خود باختگی که قبل از این وجود داشت و هنر ما را با برنامه ریزی به سمت انحطاط می‌کشید و کار به جاهای خیلی پاریکی کشیده شده بود وجود ندارد، شاید زود باشد که در حال حاضر بگوییم در قالبهای جدید اسلامی، توانسته‌ایم